نوشته شده توسط Administrator
یکشنبه ۲۹ اسفند ۱۳۸۹ ساعت ۱۷:۵۲ -

اگر تار خ ما ، تار خ حوادث اخطارنکرده ، تار خ دلهره ها و اضطرابهای مداوم است ؛ اگر تار خ نابودی ارزشها وتار خ فراموش هاست ، امّا بازپ دا ی ارزشهای نابودشده را ن ز درخود پرورش داده است . کدام نابودی ست که آفر نش برتر را در خود نپرورده باشد؟ و کدام خرابی و و رانی ست که آبادیِ دوباره را در پی نداشته باشد؟

پاسخ ، در متنِ تار خ است . مردم ما اگر به سخنِ شاملو « حافظه ی تار خی ندارند » ، تار خِ محافظ دارند . تار خِ غرورانگ ز و کهنِ ماست که حفظمان می کند و نمی گذارد در فراموشخانه ی هو ت باختگی ، اس ر شو م .

سرفصلهای برجسته ی تقو م ، هم شه برای ما معنا ی به گستره ی تار خ اجتماعی و س اسی ا ران داشته است . نوروز ، بزرگتر ن سرفصلِ برجسته ی تقو مِ ماست :

زمستانِ گذرنده و بهارِ درپ ش . زمستانِ نابودکننده و بهارِ بازآفر ن . و ن ز زمستانِ نابودشونده و بهارِ از دورپ دا .

افسانه ها و داستانهای خ الی و خ ال انگ زی که طب عتا بر زم نه ی ک واقع ت ، شکل گرفته و شکل عوض کرده اند ، همه ، نوروز را به دورانِ آر ا یِ پ ش از زرتشت ، منتسب می کنند .

« ا ن جشن ، در اصل ، ک ی از دو جشنِ آر ا ی بود . آر ائ ان در اعصارِ باستانی ، دو فصلِ گرما و سرما داشتند . فصلِ گرما شاملِ بهار و تابستان ، و فصل سرما شاملِ پائ ز و زمستان می شد ... در هر ک از ا ن دوفصل ، جشنی برپا می داشتند که هردو آغاز سال نو به شمار می رفته . نخست ، جشنی که به هنگامِ آغازِ فصل گرما - عنی وقتی که گلّه ها را از آغل ها به چمن های سبز و خرّم می کشان دند و از د دنِ چهره ی دل آرای خورش د ، شاد و خرم می شدند (نوروز) - و د گر درآغازِ فصل سرما که غلّه را به آغل کشان ده ، توشه ی روزگار سرما را ته ه می د دند» (مهرگان) .۱

و از قرن پنجم هجری که تقو م جد د به سفارش جلا ل الد ن ملکشاه سلجوقی تنظ م شد و چهار فصل سال ، از آغاز بهار تا پا ان زمستان تدق ق شد ، نوروز، روز اول بهار ، ک روز پس از پا ان زمستان ، تثب ت شد . و آنچه امروز تقو م رسمی ماست ، در سال ۱۳۰۴خورش دی در مجلس شورای ملی به تصو ب رس د .

در مورد چگونگی و مدت برگذاری جشن نوروزدر ا رانِ قد م ، مسلّم ا ن است که فقط روز اول فرورد ن برگذار نمی

شده و چند روز دوام داشته است (چند روز تعط لی و تداوم ع د ، خاصه پنج روز نخست فرورد ن همچون تعط ل رسمی در اغلب مراکز و مناطق ا ران ، نشان از هم ن ر شه ی تار خ دارد . (کی از دق قتر ن توض حات درا ن باره ، از ابور حان ب رونی ست : « و آنچه از پس او]نوروز[است از پنج روز همه ی جشنهاست و ششم فرورد ن ماه ، نوروز بزرگ است ز را که خسروان بدان پنج روز، حق های حشم و گروهان بگذارندی و حاجت ها روا کردندی ؛ آنگاه بد ن روز ششم خلوت کردندی خاصگان را . و اعتقاد پارس ان اندر نوروز نخست ن است که اول روزی ست از فرنامه و بدو فلک آغاز گرد دن « . ۲

در مورد سبزه ی ع د ، رسم ا ن بوده است که ب ست و پنج روز پ ش از نوروز در صحن شاهی ، ستونها ی از خشت خام برپا می کردند و بر هر ستون ، دانه ی سبزشونده می کاشتند : گندم ، جو ، برنج ، ارزن ، کنجد ، لوب ا ، عدس ، ماش ، نخود و ... با ا ن گمان که هرکدام از دانه ها سبزتر و پربارتر شود ، محصولش درآن سال ، فراوانتر خواهد بود . و در روز شانزدهم فرورد ن ، سبزه ها را از ستونها برمی گرفتند [ر شه ی رسم امروزی سبزه ی ع د ؛ که از دو ا سه هفته پ ش از نوروز ، دانه های سبز شونده کاشته ا درآب گذاشته می شود و در روز س زدهم فرورد ن به آب رود سپرده می شود] .

ا ن پ ش نه و ا ن تار خ را مردم ، هم شه عز ز داشته اند و حتا در سختتر ن شرائط ناهنجار اجتماعی برگذاری جشن نوروز را ادامه داده اند . اگر ام ر و خان و خل فه ی ، مخالف مراسم و جشنهای ملّی بوده ، با قرارگرفتن در برابر اشت اق عمومی و پا دار مردم به برگذاری آنها ، ناگز ر، تن به سازش داده است . نخست ن خلفای اسلام ، آنگاه که اعمال سلطه در ا ن عرصه را ناممکن د دند ، به ناد ده گرفتن جشن و مراسم نوروز ، اکتفا کردند و وقتی در برابر فشار ز رکانه ی مردم - به شکل ارسال هدا ای نوروزی به خل فه - قرار گرفتند ، به هدا ای نوروزی ، نام خراج سالانه دادند و آنرا پذ رفتند! شدت ا ن کشاکش م ان مردم و خلفا را در روا ت ز بای طبری از برگذاری نوروز ۲۴۸ هجری ، به روشنی می توان در افت :

« در روز چهارشنبه سه شب از جمادی الاول رفته مطابق با شب ازدهم حز ران در بازارهای بغداد از جانب خل فه منادی ندا در داد که در شب نوروز آتش ن فروزند و آب نر زند [رسم ا ن بود که در شب نوروز ، مردم ، آتش می افروختند و در صبح نوروز، به هم آب می پاش دند] و ن ز در روز پنجم هم ن مذاکره شد ولی در هنگام غروب روز جمعه [که محتسب ، برگذاری جشن را عل رغم ممنوع ت آن ، توسط مردم ، قطعی د د] بر باب سع د بن تسک ن محتسب بغداد که در جانب شرقی بغداد است ندا در دادند که ام رالمؤمن ن مردم را در افروختن آتش و ر ختن آب آزاد گرداند ده است . پس عامه ا ن کار را به افراط رساند دند و از حد تجاوز کردند چنان که آب را بر محتسبان شهر بغداد فرو ر ختند .» ! ۳

کشاکشی چن ن در روند تار خ ما به آنجا رس د که به تدر ج اعلام شد همه ی وقا ع مهم زم ن و زمان ، از ازل ، در نوروز ، رخ داده و در حق قت ، ا ن رسم کهن ، ک رسم ملی نبوده و از آن ا راز ان ، بلکه روز رخداد وقا ع مهم زم ن و آسمان بوده و از آن همه ی فرزندان آدم ابوالبشر، خاصه فرزندان ابراه م !

محمد بن شاه مرتضی ، معروف به محسن ف ض (- ۱۰۰۷ ۱۰۹۷ ه . ق.) در رساله ی (به فارسی) در وصف نوروز چن ن نوشته است :

« چن ن روا ت کرده معلی بن خن س که در روز نوروز نزد منبع حقا ق و دقا ق ، امام جعفر صادق عل ه السلام رفتم ، فرمود آ ا می دانی امروز چه روز است ؟ گفتم فدای تو شوم روزی ست که عجمان تعظ م آن می نما ند و هد ه به کد گر می فرستند . فرمود به خانه ی کعبه سوگند، باعث آن تعظ م امری قد م ست . ب ان می کنم آن را برای تو تا تو بفهمی . گفتم ای سیّد من ! دانستنِ ا ن را دوست تر دارم از آن که دوستان مرده ی من زنده شوند و دشمنان من بم رند . پس فرمود ای معلی ! نوروز روزی ست که خدای تعالی عهدنامه ی از ارواح بندگان خود گرفته که او را بندگی نما ند و د گری را با او شر ک نسازند و ا مان ب اورند به فرستاده ها و حجتهای او و ائمه معصوم ن صلوات الله عل هم اجمع ن ، اول روزی ست که آفتاب طلوع کرده و بادی که درختان را بارور می سازد، وز دە ، و خرّمی زم ن آفر دە شده ، و روزی ست که کشتی نوح بر زم ن قرار گرفته ، و روزی ست که خدای تعالی زنده گردان د جماعتی را که از ب م مرگ از شهر و د ار خود ب رون رفته بودند و چند ن هزار کس بودند ، پس اولا حق تعالی حکم کرد ا شان را که بم رند ، بعد از آن زنده گردان د ، و روزی ست که جبرائ ل عل ه السلام بر حضرت رسالت صلی الله عل ه و آله نازل شد به وحی و روزی ست که آن حضرت بتهای کفار را شکست و روزی ست که حضرت رسالت صلی الله عل ه و آله امر فرمود اران خود را که با حضرت ام رالمؤمن ن عل ه السلام ب عت امارت نما ند ، و روزی ست که حضرت ام ر المؤمن ن عل ه اسلام را م ان جنّ ان فرستاد که ب عت کردند ، روز ی ست که آن حضرت در جنگ نهروان فتح کرد و به قتل رسان د ذوالثد ه را که سرکردهء خوارج بود ، و روزی ست که قائم آل محمد عنی حضرت صاحب الامر ظاهر می شود ، آن حضرت بر دجّال ظفر می ابد و آن ملعون را در کناسه که محله ی ست در کوفه از گلو می کشد . و ه چ نوروزی ن ست که ما توقع خلاصی از غم نداشته باش م ز را که ا ن به ما و ش ع ان نسبت دارد ، عجمان آن را حفظ کرده اند و شما ضا ع کرده ا د . «! ۴

نزد هرکس و هربخش از جامعه ، خلاصی ازغم معنا ی د گر دارد. نزد حاکمان ، ب ش از هرچ ز، خلاصی از فکرِ به هم ر خته شدن اوضاع است و نزد محکومان ، خلاصی از سلطه ی حاکمانی ست که از هزار راه می کوشند همه چ زمحکومان را از آنِ خود کنند !

نوروزتان هم شه پ روز!

.۱ دکتر محمد مع ن ، مجموعه مقالات.

2. **التفهیم.**

3. **تاریخ طبری، جزء دهم.**

4. **ملامحسن فیض، پنج رساله.**